

مجله‌ی علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز
سال سوم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱ (پیاپی ۵)

بررسی جایگاه «زمان» در اشعار روایی کودکان

دکتر عباس جاهدجاه*

دانشگاه پیام‌نور

چکیده

کودکان گروه سنی الف (سال‌های پیش از دبستان) از نظر درک مفهوم زمان، با دیگر گروه‌های سنی تفاوت دارند؛ زیرا خردسالان، به‌ویژه تا شش سالگی، درک کاملی از مقوله‌ی زمان ندارند و در مواردی مانند تخمین طول مدت، درک تفاوت میان گذشته و آینده و توان تشخیص به هم ریختگی نظم زمان، با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌شوند. از این‌رو، باید در اشعار روایی کودکان، به میزان درک آنان از زمان توجه نشان داد و میان این میزان درک و چگونگی نمایش زمان، هماهنگی برقرار کرد. مقاله‌ی حاضر، کوشیده است تا با توجه به ویژگی‌های ذهنی کودکان و مراحل رشد شناختی آنان، عنصر زمان در اشعار روایی کودکان گروه سنی الف (با نمونه‌گیری از ۶ دفتر شعر ناصر کشاورز) پرداخته شود. نتیجه‌ی به دست آمده نشان می‌دهد که «زمان پریشی» و «شتاب منفی» زمان روایت، از این رو که با رشد ذهنی کودکان از زمان تناسب ندارد، باید با دقت بیشتری در روایت کودکان گروه سنی الف به کار گرفته شود؛ اما «نظم و ترتیب» و «شتاب ثابت» و «شتاب مثبت» روایت، از این‌رو که با فضای ذهنی کودکان تناسب بیشتری دارد، می‌تواند در این دسته از روایت‌ها به کار رود. بررسی و تحلیل زمان روایت در شش دفتر شعر (ویژه‌ی گروه سنی الف) از ناصر کشاورز، این نتیجه به دست آمد که نظم، شتاب ثابت و شتاب مثبت، بیش‌ترین کاربرد را در اشعار وی داشته و از میان این سه، پرکاربردترین شیوه، شتاب ثابت بوده است.

واژه‌های کلیدی: روایت، زمان، شتاب، شعر روایی، کودک.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی jahedjah@gmail.com

۱. مقدمه

قصه‌ها، به شعر یا به نثر، از دیرباز، نقشی مهم در آموزش و پرورش نسل‌ها داشته‌اند و دنیای کودکان، از گذشته تا امروز همواره سرشار از قصه‌های رنگارنگی بوده و هست که ذهن کودکان و نوجوانان را به خود مشغول کرده‌اند. امروزه، به کمک مطالعات روان‌شناسان، نقش داستان در رشد ذهنی و عاطفی کودکان، بیش از پیش شناسایی و بر اهمیت آن افزوده شده است؛ زیرا ثابت شده که داستان، می‌تواند ساختار معرفت‌شناسانه‌ی زیربنایی برای مخاطب خود فراهم آورد؛ داستان با مهیا کردن امکان بازسازی حوادث زندگی انسان‌ها، به مخاطبان خود کمک می‌کند تا از میان حوادث و رویدادهای گوناگونی که در زندگی افراد مختلف رخ می‌دهد، به جست‌وجوی معنا و مفهوم زندگی برآیند (فلودرنیک،^۱ ۲۰۰۶: ۲).

قلمرو قصه‌های کودکان، تنها به حوزه‌ی نثر محدود نمی‌شود، بلکه درصد بالایی از اشعار کودکان نیز کارکرد قصه‌گویی دارند. تلفیق شعر و داستان و بهره بردن از وزن و آهنگ برای قصه‌گویی، به‌ویژه در بیش‌تر آثار ادبی مربوط به گروه سنی الف، بر اثرگذاری این بخش از ادبیات کودک، افزوده است. از این‌رو، در بررسی و تحلیل بخش عمده‌ای از اشعار کودکان، با «شعر روایی» و قواعد مربوط به «روایت» روبه‌رویم.

رویکرد نوین دانش‌روایت‌شناسی، قلمرو روایت را بسیار گسترده کرده و آن را از محدوده‌ی «داستان»، به قلمرو وسیع «عمل روایت کردن» سوق داده است. مونیکا فلودرنیک بر اساس همین نگرش، روایت را این‌گونه معرفی می‌کند: «معمولا وقتی درباره‌ی روایت سخن می‌گوییم، آن را یا نوع ادبی روایت، یعنی ناول و داستان کوتاه، یکی می‌دانیم. «روایت»، از مصدر «روایت کردن» است و نباید آن را محدود به داستان‌ها یا آثار تاریخی کرد. روایت همه‌ی چیزهایی است که در اطراف ماست؛ در هر جایی که کسی با ما درباره‌ی چیزی سخن می‌گوید، می‌توان روایت را یافت: گوینده‌ی خبر رادیو، معلم مدرسه، یک هم‌کلاسی در زمین بازی، یک مسافر در قطار، یک همراه بر سر میز شام، گزارش‌گر تلویزیون یا راوی داستانی که ما از خواندن آن، قبل از خواب، لذت می‌بریم. همه‌ی ما در زندگی روزمره‌ی خود، در گفت‌وگو با دیگران،

^۱ Monika Fludernik

راوی هستیم بنابراین روایت، فعالیتِ زبانیِ گسترده و ناخودآگاهی است که گستره‌ای فراتر از آنچه انواع اصلی روایت شمرده می‌شود - و مهم‌تر از همه، روایت ادبی است - دارد. (همان، ۱).

برای رسیدن به شناختی دقیق از روایت، ژرار ژنت^۱ کوشیده است سه معنای گوناگون واژه‌ی فرانسوی *récit* (روایت) را از هم تفکیک کند. این سه معنا عبارتند از: «عملِ روایت»؛^۲ «متن یا کلام»^۳ روایت و «داستانی که روایت، بیان می‌کند».^۴ از میان این هر سه، ژنت، موارد اول و دوم را یکی می‌کند و آن را «بیان یا کلام روایت»^۵ می‌نامد و در کنار مورد سوم، یعنی داستان، قرار می‌دهد؛ در نتیجه این تعریف به دست می‌آید: «داستان، چیزی است که بیان یا کلام روایت، گزارش می‌کند، ارائه می‌دهد یا به مخاطب منتقل می‌کند» (همان، ۲). به این ترتیب، هر روایت، داستانی را بیان می‌کند و هر داستان، خود، زنجیره‌ای از کنش‌ها و حوادثی است که آغاز و پایانی دارند (همان، ۵) و در خط پیوسته‌ی زمان قرار گرفته‌اند.

«زمان» و چگونگی حضور آن در داستان، یکی از مباحث مهم دانش روایت‌شناسی است که توجه منتقدان بسیاری را به خود جلب کرده است. کسانی مانند ژرار ژنت (۱۹۸۰)، ریمون کنان^۶ (۱۹۸۳) و تولان^۷ (۱۹۸۸) در قالب مباحث گوناگون به بررسی زمان در روایت و انطباق یا عدم انطباق آن با زمان واقعی پرداخته‌اند. اما این مباحث همگی اختصاص به دنیای بزرگسالان دارد و در آن‌ها به ویژگی‌های نمایش زمان در روایت کودکان پرداخته نشده است. در پژوهش حاضر، کوشش بر این است تا با توجه به ویژگی‌های ذهنی کودکان و مراحل رشد شناختی آنان، به بررسی عنصر زمان در اشعار روایی کودکان گروه سنی الف پرداخته شود. مهم‌ترین پرسش‌هایی که این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به آن‌هاست عبارتند از: کودکان از چه سنی موفق به درک مفهوم زمان می‌شوند؟ با توجه به روند شکل‌گیری مفهوم زمان در ذهن کودک، در روایت کودکان، زمان چه جایگاه و چه ویژگی‌هایی دارد؟ آیا می‌توان تفاوتی میان

¹ Gerard Genette

² Narration

³ Recit

⁴ Histoire

⁵ Narrative discourse

⁶ Rimmon Kenan

⁷ Toolan

روایت کودکان و بزرگسالان از نظر حضور و چگونگی ارائه‌ی زمان یافت؟ محدودیت‌های نمایش و ارائه‌ی زمان در اشعار روایی کودکان کدام است؟ این موضوع، یعنی بررسی ویژگی‌های زمان در روایت کودکان گروه سنی الف، در میان پژوهش‌های انجام شده در زبان فارسی، تازگی دارد؛ اما در قلمرو تحلیل زمان روایت، بررسی زمان روایت در برخی از آثار ادبیات فارسی، موضوع تعدادی از پژوهش‌ها قرار گرفته و مبانی نظری تحلیل زمان در این مقاله‌ها بررسی شده است؛ از جمله غلام‌حسین زاده و همکاران (۱۳۸۶) به بررسی زمان در روایت اعرابی درویش از مثنوی پرداخته‌اند؛ امامی و همکار (۱۳۸۷) دامنه‌ی زمانی را در برخی از حکایت‌های مثنوی بررسی کرده‌اند؛ صهبا (۱۳۸۷) به بررسی زمان روایت در تاریخ بیهقی پرداخته است؛ زهرا رجبی و همکاران (۱۳۸۸) رابطه‌ی میان زمان و تعلیق را در حکایت کنیزک و پادشاه از دفتر اول مثنوی بررسی کرده‌اند؛ اردلانی نیز (۱۳۸۷) به بررسی عامل زمان در *رمان سووشون* پرداخته است.

اما در حوزه‌ی کلی «ادبیات کودک»، گذشته از دو کتاب *مبانی ادبیات کودک* و *نوجوان* (۱۳۸۴) نوشته‌ی حکیمی و کاموس و *روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان* (۱۳۷۸) نوشته‌ی محمدهادی محمدی؛ باید به مقاله‌ی «مشابهت‌ها و تفاوت‌های داستان‌های کودک و بزرگسال» از خلیلی جهان‌تیغ و همکار (۱۳۹۰) اشاره کرد که توجه ویژه‌ای به روایت کودکان داشته است.

۲. جایگاه زمان در ذهن کودک

زمان، پدیده‌ای پیچیده است و چپستی آن، همواره ذهن اندیشمندان بسیاری را در حوزه‌های گوناگون دانش بشری به خود مشغول کرده است. یکی از موضوعات مرتبط با مقوله‌ی زمان که در دانش روان‌شناسی بدان پرداخته شده، میزان و چگونگی آگاهی کودکان از زمان است. پرسش این است: کودکان تا چه اندازه زمان را می‌شناسند؟ آن‌ها از چه سنی و چگونه موفق به درک زمان می‌شوند؟ و سرانجام اینکه روند شناخت زمان در ذهن کودکان چگونه است و چه مراحل را طی می‌کند؟

تحقیق درباره‌ی درک زمان در کودکان، به وسیله روان‌شناسان رشد پایه‌گذاری شده است. پیاژه (۱۹۶۹) یکی از نامدارترین نظریه‌پردازانی است که آرای

او در این باره، در طول سال‌ها، مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس نظر پیاژه، کودکان قادر به درک مستقیم و بی‌واسطه‌ی طول زمان نیستند؛ بلکه درک آن‌ها از گذر زمان، در ارتباط با شتاب^۱، فاصله^۲ و حرکت^۳ شکل می‌گیرد (درویت ولت، ۲۰۰۱: ۱۴۲). پیاژه بر این باور بود که کودکان تا پیش از هشت سالگی نمی‌توانند تشخیص و درک صحیحی از طول زمان داشته باشند.

پژوهش‌های دیگر درباره‌ی درک کودکان از طول مدت و گذر زمان، نشان داده است که اگرچه کودکان زیر پنج سال، درک بزرگسالان را نسبت به زمان ندارند، از گونه‌ای دانش و درک در زمینه‌ی طول مدت زمان، برخوردارند. به این معنی که کودکان، زمان را به صورت غیرمستقیم و به کمک کارهایی که انجام می‌دهند، درک می‌کنند. فریزه^۴ (۱۹۴۸) این عقیده را مطرح کرد که کودکان توان درک مطلق زمان را ندارند اما این ناتوانی، به این معنی نیست که هیچ تصویری از گذر زمان در ذهن کودکان وجود نداشته باشد. در تأیید این دیدگاه، فریزه ثابت کرد که کودکان شش‌ساله، می‌توانند طول مدت‌هایی را که با فعالیت و کار و بازی، سپری شده باشد، تخمین بزنند؛ اما همین کودکان، درباره‌ی طول مدت‌هایی که در آن‌ها هیچ اتفاقی رخ نداده و فعالیت‌ی صورت نگرفته است، درست عمل نمی‌کنند؛ زیرا درک طول مدت‌های خالی از کنش، نیازمند درک و دریافت مفهوم زمان مطلق است و کودکان، این مفهوم را به درستی نمی‌شناسند (درویت ولت، ۱۹۹۸: ۲۳۷).

گذشته از طول زمان، درک تفاوت میان زمان گذشته، حال و آینده نیز از موضوعاتی است که روان‌شناسان رشد بدان پرداخته‌اند. مطالعات فریدمن^۵ (۲۰۰۳) نشان داده است که کودکان از شش‌سالگی به بعد می‌توانند برخی ویژگی‌ها و تفاوت‌های میان گذشته و آینده را درک کنند؛ اما کودکان کوچک‌تر، این توانایی را ندارند (باسبی گرنٹ و سادندورف، ۲۰۱۰: ۸۵۴). به طور کلی، یافته‌های روان‌شناسان بر

¹ Velocity

² Space

³ Movement

⁴ Fraisse

⁵ Freidman

این نکته تأکید دارد که درک مفهوم زمان و قضاوت درباره‌ی آن در کودکان، از شش سالگی، یعنی سن پیش از آغاز دبستان، تا حد زیادی رشد می‌کند. نکته‌ی دیگری که در اینجا باید افزود این است که سن درک زمان و میزان شناخت آن در کودکان همواره یکسان نیست و ممکن است به تناسب بهره‌ی هوشی، نوع تعلیم و تربیت یا شرایط محیطی، متفاوت باشد.

۳. زمان در روایت

زمان، واقعیت انکارناپذیر حیات آدمی است. زندگی در جهان، سراپا با مقوله‌ی زمان، گره خورده است. زمان، خط ممتدی است که همواره در حال عبور است و همه‌ی موجودات در امتداد آن، حرکت می‌کنند؛ بنابراین مهم‌ترین ویژگی زندگی ما انسان‌ها در محدوده‌ی زمان، گریزان بودن لحظه‌هایی است که پیوسته در حال گذرند. اما در روایت، زمان گریزپای، به بند کشیده و فرصت تجربه‌ی دوباره‌ی حوادث و بازبینی رویدادها، برای انسان‌ها فراهم می‌شود. از این روست که پل ریکور،^۱ بر این نکته تأکید می‌ورزد که ما انسان‌ها، به دلیل گریزان بودن لحظه‌های زندگی، نیاز مبرمی به داستان داریم تا زندگی ما را با نگاه به گذشته سامان دهد (ریکور، ۱۹۹۲: ۱۶۲).

مهم‌ترین ویژگی‌های زمان در دنیای واقعی، به این قرار است:

- آغاز و پایان آن آشکار نیست،

- خط سیر منظمی دارد (گذشته ← حال ← آینده)؛

- سرعت سیر یکنواختی دارد.

اما میان زمان واقعی و زمان در روایت، تفاوتی بنیادین وجود دارد: زمان در دنیای روایت، بازتاب و تصویری از زمان در دنیای واقعی است و از این رو، محدودیت‌ها و تنگناهای زمان واقعی را ندارد؛ برای نمونه، اگر مسیر حرکت زمان در دنیای واقعی، مسیری از حال به آینده است، در دنیای روایت این مسیر می‌تواند از حال به گذشته باشد؛ زیرا راوی می‌تواند حوادث را آن‌گونه که خود می‌خواهد جابه‌جا کند (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۱) و در این جابه‌جایی، گاه نظم زمان واقعی به هم می‌ریزد. چگونگی نمایش زمان در روایت و هم‌گونی یا ناهم‌گونی آن با زمان واقعی، موضوع اصلی مبحث تحلیل

^۱ Paul Ricouer

زمان در دانش روایت‌شناسی است؛ این تحلیل و بررسی در سه بخش اصلی انجام می‌گیرد که عبارتند از: نظم، تداوم و بسامد.

۳-۱. نظم^۱

گذر زمان در دنیای واقع، بر اساس نظمی خدشه‌ناپذیر و در مسیری که از حال به سوی آینده می‌رود، شکل می‌گیرد؛ اما در روایت، گاه این نظم بر اساس خواست و تصمیم راوی، نادیده گرفته می‌شود. به هدف بررسی دقیق رعایت یا عدم رعایت ترتیب زمانی رخدادها در روایت، ژنت، اصطلاح زمان‌پریشی^۲ را مطرح کرده است؛ او وفادار ماندن روایت را به خط سیر زمان تقویمی، معیار ثابت «نظم» در نظر گرفته و هرگونه سرپیچی از این خط سیر منظم را، «زمان‌پریشی» نامیده است (ژنت، ۱۹۸۰: ۴۸).

زمان‌پریشی، دو شکل اصلی و عمده دارد:

- بازگشت به گذشته یا گذشته‌نگری (عقب‌گرد):^۳ بیان حوادثی که پیش از زمان حال داستان، رخ داده‌اند.

- پرش به آینده یا آینده‌نگری (جلوروی):^۴ بیان حوادثی که پس از زمان حال داستان (در آینده) رخ خواهند داد.

نکته‌ای که در اینجا باید با آن توجه شود این است که مبحث نظم، با زمان دستوری^۵ روایت، تفاوت دارد. در هر روایت، یکی از این سه زمان دستوری ممکن است به کار گرفته شود: گذشته، حال و آینده (مانفرد جان، ۲۰۰۵: ۵۵). در هر یک از این شیوه‌های روایت (گذشته، حال یا آینده) این امکان وجود دارد که نظم و ترتیب روایت رخدادها، رعایت شود یا این ترتیب، به هم بریزد.

¹ Order

² Anachrony

³ Flashback, analepsis, retrospection

⁴ Flashforward, prolepsis, anticipation

⁵ Tense

۳-۲. تداوم^۱

تداوم، نسبت میان طول مدت زمان داستان^۲ و زمان بیان^۳ (روایت) آن است (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۷۳). زمان داستان، زمانی است که صرف رخ دادن حوادث داستان شده است؛ اما زمان بیان (روایت)، مدت زمانی است که به طور متوسط برای خواندن متن صرف می‌شود که می‌تواند با تعداد کلمه‌ها، سطرها یا صفحه‌های متن اندازه‌گیری شود. برای دستیابی به سرعت یا گام^۴ گذر روایت، باید زمان بیان و زمان داستان را با هم مقایسه کرد. از این مقایسه، حالت‌های پنج‌گانه‌ی زیر به دست می‌آید:

۳-۲-۱. شتاب ثابت (نمایش هم‌زمان)^۵

در این حالت، زمان داستان و زمان بیان آن تقریباً یکسان است. این حالت معمولاً زمانی به وجود می‌آید که روایت، شکل نمایشی^۶ به خود بگیرد یا به شیوه‌ی دیالوگ (گفت‌وگو) ارائه شود. بیان نمایشی، یکی از تقسیم‌بندی‌های مبحث حالت‌های روایت^۷ است که به بیان جریان پیوسته‌ای از حوادث جزئی و کلی، گفته می‌شود (ژنت، ۱۹۸۰: ۹۵).

۳-۲-۲. شتاب مثبت (افزایش سرعت)^۸

در تسریع یا شتاب، زمان بیان رخدادها، کوتاه‌تر از زمان داستانی آن است. شکل اصلی شتاب مثبت روایت، شیوه‌ی بیان خلاصه^۹ یا فشرده‌گویی است که در این حالت، راوی رشته‌ای از حوادث پی در پی و متمرکز را فهرست‌وار و بدون پرداختن به جزئیات، روایت می‌کند.

۳-۲-۳. شتاب منفی (کاهش سرعت)^{۱۰}

در کاهش سرعت یا شتاب منفی، زمان بیان رخدادها، طولانی‌تر از زمان داستانی آن است. عامل اصلی کاهش سرعت، عمل ذهنی یا گذر کند زمان در ذهن شخصیت است

¹ Duration

² Story time

³ Discourse time

⁴ Tempo

⁵ Isochrony

⁶ Scenic

⁷ Narrative modes

⁸ Acceleration

⁹ Summary

¹⁰ Deceleration

که از آن به زمان درونی یا ذهنی^۱ تعبیر شده است. این حالت، البته بسیار انتزاعی است و مبهم به نظر می‌رسد و ابهام آن از چشم منتقدان نیز به دور نمانده است (جان، ۲۰۰۵: ۵۸)

۳-۲-۳. حذف^۲

در حذف، بخشی از زمان داستانی و رخداد‌های مربوط به آن، هرگز به بیان در نمی‌آید. چنانکه به تعبیر چتمن «بیان، قطع می‌شود اما زمان، ادامه می‌یابد تا از داستان عبور کند» (چتمن، ۱۹۷۸: ۷۰).

۳-۲-۴. وقفه^۳

وقفه، توقف زمان داستان است درحالی که بیان هم‌چنان ادامه دارد. وقفه به دو شکل در روایت ایجاد می‌شود: توصیف^۴ و تفسیر^۵. در طول وقفه، زمان بیان با توصیف یا تفسیر تفسیر می‌گذرد؛ در حالی که زمان داستان متوقف شده و در عمل، هیچ حادثه‌ای رخ نمی‌دهد.

از میان پنج حالت ذکر شده برای تداوم روایت، تنها سه حالت اصلی را می‌توان شناسایی کرد: شتاب ثابت، شتاب مثبت و شتاب منفی. دو حالت دیگر، حذف و وقفه، به ترتیب، زیرمجموعه‌های شتاب مثبت و منفی به شمار می‌روند. مهم‌ترین عوامل ایجاد شتاب ثابت در روایت، بیان نمایشی و دیالوگ (گفت‌وگو) است؛ مهم‌ترین عوامل ایجاد شتاب مثبت، بیان خلاصه (فشرده) و حذف است؛ مهم‌ترین عوامل ایجاد شتاب منفی، عمل ذهنی، توصیف و تفسیر است.

۳-۳. بسامد^۶

بسامد، نسبت میان دفعات وقوع رخداد‌های داستان با دفعات روایت آن‌هاست. سه نوع اصلی بسامدی وجود دارد:
- بسامد مفرد^۱: واقعه‌ای که یک بار روی داده است، یک بار روایت شود؛

¹ Subjective time

² Ellipsis, cut, omission

³ Pause

⁴ Description

⁵ Comment

⁶ Frequency

- بسامد مکرر^۲: واقعه‌ای که یک بار روی داده، چند بار روایت شود؛
- بسامد بازگو^۳: واقعه‌ای که چند بار روی داده، یک بار روایت شود (تولان، ۱۳۸۳: ۶۷ و ۶۸).

۴. زمان در روایت کودک

- پنجیدگی مقوله‌ی زمان سبب شده است کودکان در سنین پایین، توان دستیابی به شناختی کامل و جامع از زمان را نداشته باشند. پیش از بررسی ویژگی‌های زمان در روایت کودکان، نکات اساسی و مهم زیر را باید در رابطه با درک کودکان از زمان مورد توجه قرار داد:
- درک کودکان از زمان، تا پیش از شش سالگی، بیش‌تر مربوط به زمان حال است و آنان پیش از این سن، به درستی تمایز میان گذشته و آینده را درک نمی‌کنند (پیاژه، ۱۹۶۹).
 - کودکان، نظم منطقی حوادث را درک می‌کنند و بر هم خوردن این نظم، سبب سردرگمی آنها می‌شود (فریزه، ۱۹۴۸).
 - کودکان در سنین پیش از دبستان، مفهوم زمان مطلق را در نمی‌یابند (فریزه، ۱۹۴۸).
 - کودکان زیر شش سال، تفاوت میان زمان حال، گذشته و آینده را به درستی درک نمی‌کنند (فریدمن، ۲۰۰۳).
 - در کودکان، درک میزان گذر زمان و تخمین طول مدت، در ارتباط با حرکت و فعالیت شکل می‌گیرد؛ بنابراین درک زمانی آنها از طول مدت‌هایی که با فعالیت یا بازی همراه شده، صحیح‌تر از زمان‌هایی است که خالی از حرکت و فعالیت بوده است (فریزه، ۱۹۴۸).
 - با در نظر گرفتن این نکات، در ادامه به بررسی هر یک از مباحث سه‌گانه‌ی زمان، در روایت کودکان پرداخته خواهد شد.

¹ Singulative telling

² Repetitive telling

³ Iterative telling

۴-۱. نظم

چنانکه گفته شد، در روایت، می‌توان به ترتیبِ زمان تقویمی وفادار ماند و نظم حاکم بر زمان دنیای واقعی را رعایت کرد؛ اما این امکان نیز وجود دارد که از این نظم تخطی شود و «زمان‌پریشی» به وجود آید؛ یعنی روایت، گذشته‌نگری یا آینده‌نگری داشته باشد.

در روایت مربوط به کودکان گروه سنی الف، همواره رعایت نظم و ترتیب زمانی، بر زمان‌پریشی، اولویت دارد؛ زیرا چنان‌که گفته شد، کودکان زیر شش سال، از یک سو تفاوت میان زمان حال، گذشته و آینده را به درستی تشخیص نمی‌دهند و از دیگر سو، نبود نظم منطقی در میان رخداد‌های روایت، ممکن است آنان را دچار سردرگمی کند و مانع درک صحیح آن‌ها از زمان شود.

البته زمان‌پریشی نیز، به صورت گذشته‌نگر یا آینده‌نگر، می‌تواند در اشعار روایی کودکان گروه سنی الف، به کار گرفته شود؛ اما باید به این مسأله دقت کرد که زمان‌پریشی روایت کودک، باید ساده و متعادل باشد؛ به گونه‌ای که درک و دریافت آن برای کودکان دشوار نشود و با نظم و منطق ذهنی آن‌ها منطبق باشد؛ مانند شعر زیر که زمان‌پریشی آن، مناسب سطح ذهنی کودکان پیش از دبستان است. گفتنی است که تمامی مثال‌های شعری، از آثار ناصر کشاورز برگزیده شده است.

شعر زیر از مجموعه‌ی شعرهای شیرین برای بچه‌ها، دفتر آب، بابا، ماما است:

یک توپ دارم من، یک توپ گرد و زرد این توپ را دیشب بابای من آورد
من توپ زردم را قل می‌دهم با دست انگار توپ من یک دانه خورشید است

(کشاورز، ۱۳۸۶: ۷).

زمان روایت، زمان حال است اما در آن به گذشته نیز ارجاع داده شده است؛ ارجاعی کوتاه و مربوط به زمانی بسیار نزدیک به زمان حال (دیشب) که برای کودک به آسانی قابل فهم است. نمونه‌ای دیگر، برای این کارکرد، شعر زیر از مجموعه‌ی غنچه‌ی گل قشنگه، شیمو کوچولو زرنگه است:

.... نترس ملخ کوچولو! کاری باهات ندارم می‌خواهی با من دوست بشی؟ غذا برات بیارم؟
من از توی خونه‌مون جیرجیرتو شنیدم بدو بدو اوادم تا که به تو رسیدم....

(کشاورز، ۱۳۸۴: ۶).

در این شعر نیز، زمان اصلی روایت، حال است و زمان پریشی آن، ارجاع کوتاه و مختصری به زمان گذشته است. نکته‌ی دیگر که در این جا باید افزود این است که به دلیل دشوار بودن درک زمان گذشته و آینده برای کودک، بهتر است در روایت کودکان گروه سنی الف، از روایت زمان حال استفاده شود.

۲-۴. تداوم

در میان سه نوع اصلی تداوم روایت (شتاب ثابت، مثبت و منفی) انواع اول و دوم، یعنی شتاب ثابت و شتاب مثبت، با شرایط ذهنی و شناختی کودکان گروه سنی الف، سازگاری بیش‌تری دارد. چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، کودکان زیر شش سال طول مدت زمان را به کمک حرکت و فعالیت درمی‌یابند و درک طول مدت‌های خالی از فعالیت، به دلیل دشواری دریافت مفهوم زمان مطلق، برای آن‌ها آسان نیست. هم‌چنین «کودک بیش‌تر موجودی عمل‌گرا و بیرونی است تا درونی و منفعل» (حکیمی و کاموس، ۱۳۸۴: ۶۱)؛ از این رو، شتاب منفی (وقفه، توصیف و تفسیر) که مساوی با توقف کنش داستانی است، باید در روایت کودکان گروه سنی الف کم‌تر به کار رود. نتایجی که از بررسی تداوم زمان در روایت کودک به دست می‌آید، به شکل خلاصه عبارت است از:

الف. شتاب ثابت

بیان نمایشی و کاربرد شیوه‌ی گفت‌وگو از این رو که طول مدت‌های پر از حرکت و فعالیت (کنشی یا گفتاری) را به نمایش می‌گذارد، با حال و هوای ذهنی کودکان و توانایی‌های درک آنان از زمان، متناسب است و بسامد کاربرد بالایی در اشعار روایی کودکان دارد؛ مانند شعر زیر از مجموعه‌ی *غنچه‌ی گل قشنگه*، شیمو کوچولو زرنگه:

- سلام آقا جیرجیرک! اینجا چی کار می‌کنی؟ می‌خوام باهات دست بدم چرا فرار می‌کنی؟
- من ملخ سبزکم، نه جیرجیرک بچه‌جون برو، به من دست نزن، می‌خوام برم خونه‌مون
(کشاورز، ۱۳۸۴: ۸)

همچنین شعر زیر:

- آهای میو سیاه جون! داری چی کار می‌کنی؟ من می‌دونم توداری گنجیشک شکارمی‌کنی
گنجیشک! زود باش فرار کن برو توی خونه‌تون گریه تو رو می‌گیره با پنچول و با دندون
- شیمو چی داری میگی چی کار داری باهامون؟ گنجیشکه دوست منه بی خود اونو نترسون

داشتیم من و اون الان بازی با هم می‌کردیم هر روز توی مزرعه می‌ریم با هم می‌گردیم
(همان، ۱۰-۱۱)

ب. شتاب مثبت

چنان‌که گفته شد شتاب مثبت به کمک «بیان فشرده» و «حذف» ایجاد می‌شود که این
هر دو شیوه، در روایت کودکان جایگاه مهمی دارند.

- بیان فشرده

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های نمایش تداوم زمان در روایت کودکان است؛ زیرا در این
روش، فقط به بیان رؤوس رخدادها پرداخته می‌شود و فضا، پر از حادثه و حرکت
است، از سوی دیگر، این شیوه، مناسبت کاملی هم با مجال کوتاه روایت کودکان دارد؛
زیرا «روایت کودکان گروه سنی الف نمی‌تواند طولانی باشد و باید سادگی و کوتاهی
در آن رعایت شود» (محمدی، ۱۳۷۶: ۱۰۵). مانند اشعار زیر از مجموعه‌ی شعرهای
شیرین برای بچه‌ها؛ آب، بابا، ماما:

امروز زنبوری بدجنس و زرد آمد	نیشم زد و نیشش بد بود و درد آمد
وقتی صدایم را بابا شنید از دور	رفتم به او گفتم نیشم زده زنبور

(کشاورز، ۱۳۸۶: ۶)

آقا کلاغه یک سیب شیرین	از روی شاخه انداخت پایین
خوردم از آن سیب، یک گاز با پوست	یک‌دفعه دیدم آن سیب کرم‌وست
یک کرم بدشکل بر روی آن بود	ترسیدم آن را انداختم زود
از جا پریدم مثل پرنده	آقا کلاغه زد زیر خنده

(همان، ۴)

نمونه‌ی دیگر، شعر زیر از مجموعه‌ی غنچه‌ی گل قشنگه، شیمو کوچولو زرنگه است:
شیمو توی مزرعه رفته کمی بگرده می‌بیند یک قناری نشسته روی نرده
شیمو با اون دوست می‌شه براش میاره دونه قناری چند تا آواز برای اون می‌خونه
(کشاورز، ۱۳۸۴: ۱۴)

- حذف

شیوه‌ی مناسب دیگری در روایت کودکان است که با بیان فشرده، ارتباطی تنگاتنگ
دارد. با به کار گرفتن روش حذف در روایت، می‌توان رخدادهایی را که اهمیت چندانی
ندارند بیان نکرد و شتاب روایت را افزایش داد. اما نکته‌ی مهم این است که در روایت

کودکان گروه سنی الف، حذف نباید به ابهام بینجامد و باید دقت کرد که رخداد‌های اصلی و مهم، حذف نشوند؛ زیرا نمی‌توان توقع داشت که کودک، همه‌ی بخش‌های محذوف داستان را حدس بزند. مانند شعر زیر از مجموعه‌ی *آب و شکر با لیمو، شربت می‌سازه* شیمو که در آن، نوشیده شدن آب‌میوه توسط فیل حذف شده (تنها نتیجه‌ی آن که تمام شدن آب‌میوه‌هاست ذکر شده) و اندکی ایجاد ابهام کرده است:

لیوان‌ها رو همیشه تو این کمد می‌ذارم از همه رنگش دارم؛ چه رنگی شو بردارم؟
 لیوان سبز رو می‌خوام بدم به فیل فیلی جون یادم نمیداد کجاست نی‌های آب‌میوه‌مون
 - آهای شیمو کجایی؟ تموم شد آب میوه‌ها نه نی می‌خوام نه لیوان، برگرد و زودتر بیا
 - ای شیکمو نگفتم صبر کن لیوان بیارم - تشنه بودم شیمو جون، دیدم، طاقت ندارم
 (کشاورز، ۱۳۸۴: ۱۴-۱۶)

ج. بسامد

مبحث بسامد از این‌رو که با رشد ذهنی کودک و درک او از مقوله‌ی زمان، مرتبط نیست، جایگاه خاصی نیز در پژوهش حاضر ندارد. در این زمینه، تنها می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

- از آن‌جا که مبنای روایت کودکان بر اختصار است و بسامد مکرر سبب منفی شدن شتاب روایت و سوق دادن آن به سوی اطناب می‌شود، بهتر است جز در مواردی که دلیل تکرار، تأکید بر نکته‌ای مهم یا آموزشی است، از کاربرد بسامد مکرر اجتناب شود. مانند شعر زیر از مجموعه‌ی *شعرهای شیرین برای بچه‌ها؛ آب، بابا، ماما*، که تکرار «بی‌حال و اخمو بودن مرغ»، بار معنایی به روایت نیفزوده و شتاب آن را نیز کاهش داده است:

در خانه دارم مرغی بد اخلاق بی‌حال و اخمو با هیکلی چاق
 با اینکه مرغم بی‌حال و اخموست یک عالمه تخم توی دل اوست
 (کشاورز، ۱۳۸۶: ۵)

- بسامد مفرد و بسامد بازگو، با ویژگی اصلی روایت کودکان گروه سنی الف که کوتاهی و اختصار است، سازگاری بیشتری دارند و بهتر است از این دو شیوه در روایت کودکان بیش‌تر استفاده شود. مانند شعر زیر از مجموعه‌ی *گل‌قشنگه*، شیمو *کوچولو زرنگه* که در آن بسامد بازگو به کار رفته و کارهایی که بارها انجام گرفته تنها یک بار بیان شده است:

شیمو کوچولو به گلدون خیلی علاقه داره تو گلدونا همیشه بوته و گل می‌کاره
با آب‌پاشش به گل‌ها آب می‌ده مثل بارون گل‌ها می‌خندن می‌گن: دوست داریم شیموجون!
(کشاورز، ۱۳۸۴: ۴)

۵. تحلیل و بررسی زمان روایت در اشعار ناصر کشاورز

در این بخش، به بررسی شیوه‌های نمایش زمان در اشعار شش کتاب شعر از ناصر کشاورز پرداخته خواهد شد. این بررسی به دو هدف انجام می‌شود:

- نشان دادن میزان کارایی شیوه‌های یاد شده در بخش تحلیل زمان در روایت کودکان
 - ارزیابی اشعار ناصر کشاورز بر اساس معیارهای زمان در روایت کودکان
- بررسی مورد نظر، اشعار شش کتاب شعر را دربرمی‌گیرد که عبارتند از:
۱. گربه رو بوم خونه، شیمو آتیش نشونه (ترانه‌های شیموشیمو، ۵)
 ۲. گاز و کلاچ و دنده، شیمو شده راننده (ترانه‌های شیموشیمو، ۸)
 ۳. آب و شکر با لیمو، شربت می‌سازه شیمو (ترانه‌های شیموشیمو، ۹)
 ۴. غنچه‌ی گل قشنگه، شیمو کوچولو زرنگه (ترانه‌های شیموشیمو، ۱۱)
 ۵. شعرهای شیرین برای بچه‌ها (ج ۱۷، آب بابا ماما)
 ۶. بچه‌های ریزه میزه پیزه

از میان این شش کتاب، تنها «شعرهای شیرین برای بچه‌ها» از اشعار کوتاه پراکنده تشکیل شده (تعداد اشعار جلد «آب، بابا، ماما» از این کتاب به ۱۰ شعر می‌رسد) و اشعار پنج دفتر دیگر، روایتی یکپارچه است. بنابراین تعداد کل شعرهای بررسی شده، به عدد ۱۵ می‌رسد.

از میان این ۱۵ شعر، تنها ۲ شعر، روایت زمان گذشته دارد و زمان روایت ۱۳ شعر دیگر، حال است. نظم و ترتیب زمان روایت در بیش‌تر این شعرها رعایت شده و زمان‌پرسی‌های گذشته‌نگر که در این اشعار یافت می‌شود - و بسیار متعادل و منطقی به کار گرفته شده است - تنها ۷ مورد است.

در زمینه‌ی شتاب روایت، بررسی این اشعار نشان می‌دهد که فضای غالب همه‌ی این شعرها، بر پایه‌ی شتاب ثابت شکل گرفته است؛ شیوه‌هایی که در بیش‌تر این اشعار به کار رفته، روش گفت‌وگو یا بیان نمایشی است. در هر چهار کتاب شعر از مجموعه‌ی «ترانه‌های شیموشیمو»، مبنای روایت بر گفت‌وگو قرار گرفته است. در کتاب «بچه‌های

ریزه میزه پیزه» مبنای روایت، بیان نمایشی است و تنها در دو شعر از مجموعه‌ی آب، بابا، ماما، تمام شعر به صورت بیان فشرده روایت شده است. در نتیجه آشکار است که از میان هر سه نوع شتاب ثابت، مثبت و منفی، شتاب ثابت بیش‌ترین کاربرد را در این اشعار داشته است. در زمینه‌ی شتاب ثابت، هر دو شیوه‌ی بیان فشرده و حذف، در این روایت‌ها به کار رفته است؛ بیان فشرده در ۹ مورد و حذف در ۶ مورد، کاربرد داشته است. در زمینه‌ی بسامد نیز نتیجه‌ی این بررسی نشان می‌دهد که در اغلب اشعار، بسامد مفرد وجود دارد؛ اما بسامد بازگو ۹ بار و بسامد مکرر تنها ۱ بار کاربرد داشته است.

زمان‌پریشی	تداوم	بسامد
زمان‌پریشی گذشته‌نگر: ۷ بار	شتاب ثابت: ۱۳ شعر از تمامی ۱۵ شعر بررسی شده شتاب مثبت: بیان فشرده ۹ مورد و حذف ۶ مورد	بسامد مکرر: ۱ مورد بسامد بازگو: ۹ مورد

به این ترتیب، آمار به دست آمده نشان می‌دهد که نظم روایت، به اغلب اشعار ناصر کشاورز رعایت شده است؛ شتاب ثابت، بیش‌ترین کاربرد را در اشعار وی داشته و می‌توان آن را نخستین و برجسته‌ترین مشخصه‌ی شعر این شاعر دانست. اما شتاب مثبت، با وجود این که یکی از شیوه‌های مناسب روایت کودکان است، کاربرد زیادی در اشعار ناصر کشاورز نداشته است. در زمینه‌ی بسامد نیز، علاوه بر بسامد مفرد که در غالب اشعار رعایت شده، بسامد بازگو نیز کاربرد بالایی در این اشعار داشته است. به صورت کلی، این آمار نشان می‌دهد ناصر کشاورز در این دسته از آثار خود، به‌خوبی ویژگی‌های ذهنی کودکان گروه سنی الف را در ارتباط با یادگیری و درک مقوله‌ی زمان، رعایت کرده است.

۶. نتیجه‌گیری

جایگاه زمان در روایت کودکان گروه سنی الف، باید متناسب با ویژگی‌های ذهنی کودکان این رده‌ی سنی و میزان درک آنان از مقوله‌ی زمان باشد. روان‌شناسان عقیده دارند که روند رشد ذهنی کودکان در زمینه‌ی درک مقوله‌های مرتبط با زمان از جمله: مفهوم مطلق زمان، تفاوت میان گذشته و آینده، درک نظم و بی‌نظمی زمان و تخمین

طول مدت زمان، تا سنین پیش از دبستان و به‌ویژه شش سالگی، هنوز ادامه دارد. از این رو، کودکان پایین‌تر از شش سال، توان درک کامل تمامی مقوله‌های زمانی را ندارند. بررسی مباحث مرتبط با چگونگی نمایش زمان در روایت، در سه حوزه‌ی نظم، تداوم و بسامد، نشان می‌دهد که در روایت کودکان گروه سنی الف (سال‌های پیش از دبستان) نظم، شتاب ثابت و شتاب مثبت روایت، تناسب بیش‌تری با توانایی‌های ذهنی آنان دارد؛ اما زمان‌پریشی و شتاب منفی، از آن‌رو که نظم ذهنی آن‌ها را دچار آشفتگی می‌کند و مرز زمان حال و گذشته و آینده را به هم می‌ریزد و آن‌ها را با مفهوم مطلق زمان روبه رو می‌کند، بهتر است در روایت کودکان به کار گرفته نشود یا کاربرد آن‌ها در حد متعادل و منطقی باشد. بررسی و تحلیل اشعار ۶ کتاب شعر از ناصر کشاورز نشان داد که نظم، شتاب ثابت و شتاب مثبت، بیش‌ترین کاربرد را در اشعار وی داشته و از میان این هر سه، شتاب ثابت، پرکاربردترین شیوه‌ی نمایش زمان در اشعار روایی ناصر کشاورز بوده است.

فهرست منابع

- اخوت، احمد. (۱۳۷۱). *دستور زبان داستان*. اصفهان: فردا.
- اردلانی، شمس‌الحاجیه. (۱۳۸۷). «عامل زمان در رمان سووشون». *مجله‌ی زبان و ادبیات فارسی*، سال ۴، شماره‌ی ۱۰، صص ۹-۳۵.
- امامی، نصرالله؛ مهدی زاده فرد، بهروز (۱۳۸۷). «روایت و دامنه زمانی روایت در قصه‌های مثنوی». *ادب‌پژوهی*، شماره‌ی ۵، صص ۱۲۹-۱۶۰.
- تولان، مایکل جی. (۱۳۸۳). *درآمدی نقادانه- زبان‌شناختی بر روایت*. ترجمه‌ی ابوالفضل حری، تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
- حکیمی محمود و کاموس، مهدی. (۱۳۸۴). *مبانی ادبیات کودک و نوجوان*. تهران: آرون.
- خلیلی جهان‌تیغ، مریم و رحیمی، صغری. (۱۳۹۰). «مشابهت‌ها و تفاوت‌های داستان کودک و بزرگسال». *پژوهش‌نامه‌ی زبان و ادبیات فارسی*، سال ۳، شماره‌ی ۹، صص ۱۳۸-۱۰۹.
- رجبی، زهرا. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه زمان و تعلیق در روایت پادشاه و کنیزک». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، شماره‌ی ۱۲، صص ۷۵-۹۸.

- صهبا، فروغ. (۱۳۸۷). «بررسی زمان در تاریخ بیهقی بر اساس نظریه ژنت». پژوهش‌های ادبی، سال ۵، شماره‌ی ۲۱، صص ۸۹-۱۱۲.
- غلامحسین‌زاده، غلامحسین. (۱۳۸۶). «بررسی عنصر زمان در روایت با تأکید بر حکایت اعرابی درویش در مثنوی». پژوهش‌های ادبی، شماره‌ی ۱۶، صص ۱۹۹-۲۱۷.
- کشاوری، ناصر. (۱۳۸۴). گربه رو بوم خونه، شیمو آتیش نشونه. تهران: پنجره.
- _____ (۱۳۸۴). آب و شکر با لیمو، شربت می‌سازه شیمو. تهران: پنجره.
- _____ (۱۳۸۴). گاز و کلاچ و دنده، شیمو شده راننده. تهران: پنجره.
- _____ (۱۳۸۴). غنچه‌ی گل قشنگه، شیمو کوچولو زرنگه. تهران: پنجره.
- _____ (۱۳۸۶). بچه‌های ریزه میزه پیزه. تهران: پنجره.
- _____ (۱۳۸۶). شعرهای شیرین برای بچه‌ها (آب، بابا، ماما). تهران: قدیانی (کتاب‌های بنفشه).

محمدی، محمدهادی (۱۳۷۸). روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان. تهران: سروش.

- Busby Grant, Janie & Thomas Suddendorf. (2010). "Young children's ability to distinguish past and future changes in physical and mental states", *British Journal of Developmental Psychology*, 28, PP.853-870.
- Droit-Volet, Sylvie. (1998). "Time Estimation in Young Children: An Initial ForceRule Governing Time Production". *Journal of experimental child psychology*, PP. 236-249.
- Droit-Volet, Sylvie. (2001). "Temporal Bisection in Children". *Journal of experimental child psychology* 80, PP. 142-159.
- Chatman, Seymour. (1978). *Story and Discourse: Narrative Structure in Fiction and Film*. Ithaca and London: Cornell UP.
- Fludernik, Monika. (2009). *An Introduction to Narratology*. Translated from the German by Patricia Häusler-Greenfield and Monika Fludernik, Routledge, New York.
- Genette, Gérard. (1980 [1972]). *Narrative Discourse*. Trans. Jane E. Lewin. Oxford: Blackwell.
- Jahn, Manfred. (2005). *Narratology: A Guide to the Theory of Narrative*. English Department, University of Cologne,
- Ricoeur, P. (1992). *Oneself as another*, Chicago: University of Chicago Press.